



بررسی تطبیقی جلوه‌های گوناگون خورشید براساس نجوم قدیم در اشعار نظامی و انعکاس آن در خمسه شاه طهماسبی

بهناز شهنازی^{۱*}

* گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خاش، دانشگاه آزاد اسلامی، خاش، ایران. mostafasalari702@gmail.com

چکیده

از دیرباز توجه به آسمان و پدیده‌های آسمانی، انسان را به شگفتی وا داشته است و وی را برای کشف راز و رموز زیبایی‌های نهفته در خود به دقت و کنجکاوی هرچه بیشتر ترغیب کرده است. وسعت بی‌کران آسمان و کهکشان‌ها، زیبایی وصف نشدنی ستارگان، درخشش ماه، طلوع و غروب خورشید و ... همه و همه اندک اندک این حس علاقه‌مندی و کنجکاوی را تا به آنجا در ضمیر بشر نمود داد که تجلی آن در بسیاری از آثار هنری و ادبی جهان راه یافت. در میان عناصر نجومی متعدد، خورشید یکی از ستارگانی است که جلوه‌ی زیبایی در اشعار شاعران دارد. سؤالی که اینجا می‌توان مطرح کرد این است که با توجه به جنبه‌های هنری و زیبایی خورشید، این عنصر چه جایگاهی در اشعار نظامی داشته است؟ از آنجا که قرن پنجم و ششم یکی از پربرترین دوره‌های تاریخ ادب فارسی است و خراسان، اصفهان، آران و آذربایجان از مراکز اصلی شعر و ادب این عصر به شمار می‌روند به همین دلیل در این مقاله جلوه خورشید بر اساس نجوم قدیم در اشعار نظامی که در قرن پنجم و ششم می‌زیسته‌اند مورد بررسی تحلیل و تطبیق قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است خورشید به شکل‌های مختلفی همچون جلوه در برج‌های دوازده‌گانه حمل، جوزا، سرطان و ... شفق و فلک و صبح صادق و کاذب، کسوف، در اشعار این شاعر نمایان شده است.

اهداف مقاله

۱. بیان جلوه‌های گوناگون نجوم قدیم در شعر پارسی.

۲. بررسی جلوه‌های گوناگون خورشید براساس نجوم قدیم در اشعار نظامی.

سؤالات پژوهش

۱. علم نجوم قدیم چه جایگاهی در شعر پارسی دارد؟

۲. خورشید و جلوه‌های نجومی آن چه بازتابی در اشعار پارسی نظامی داشته است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۳۸

دوره ۱۶

صفحه ۲۳۰ الی ۲۴۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۷/۰۵

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۰۹/۰۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

نجوم، نظامی، شعر، خورشید، خمسه شاه طهماسب.



DOR:

[https://dorl.net/dor/20.1001.](https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735708.1399.16.38.14.7)

[1.1735708.1399.16.38.14.7](https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735708.1399.16.38.14.7)

ارجاع به این مقاله

شهنازی، بهناز. (۱۳۹۹). بررسی

تطبیقی جلوه گوناگون خورشید بر

اساس نجوم قدیم در اشعار نظامی و

انعکاس آن در خمسه شاه

طهماسبی. هنر اسلامی، ۱۶ (۳۸)،

۲۳۰ - ۲۴۴.



[dx.doi.org/10.22034/IAS.](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.221244.1202/)

[2020.221244.1202/](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.221244.1202/)

مقدمه

از دیرباز توجه به آسمان و پدیده های آن انسان را به شگفتی واداشته است و وی را به دقت و کنجکاوی ترغیب کرده است. نخستین ثمره ی تلاش آدمی برای آگاهی از سیر اختران این بوده است که به وجود ارتباطی بین آسمان و امکان زیستن در زمین معتقد شده است و همین امر موجب پیدایش بسیاری از باورهای آیینی و اسطوره‌ای شده است. چنان که با وجود گذشت هزاران سال هنوز هم بسیاری از باورهای مزبور در آداب و معتقدات مذهبی انسان امروز نیز جایگاهی ویژه دارد. وسعت بی کران آسمان و کهکشان‌ها، زیبایی وصف‌نشدنی ستارگان، درخشش ماه، طلوع و غروب خورشید و ... همه و همه اندک اندک این حس علاقه‌مندی و کنجکاوی را تا به آنجا در ضمیر بشر نمود داد که تجلی آن را در بسیاری از آثار هنری و ادبی جهان می‌توان دید؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از شاعران و نویسندگان جهان به بازتاب زیبایی‌های آسمان، نجوم و ستاره‌شناسی در آثارشان پرداخته‌اند. علم نجوم از قدیمی‌ترین دانش‌های بشری است. در قدیم، مردم با آسمان، ستارگان، صورت‌های فلکی، اعتقادات و باورهای مرتبط با آن زندگی می‌کردند. وضع ستارگان را در سرنوشت و وضع زندگانی خود مؤثر می‌دانستند. این اعتقادات ناشی از مجهول بودن رابطه علت و معلولی بین پدیده‌های مختلف بود. مردم قدیم در طی قرون متمادی از طریق مشاهدات و تجارب شخصی، تغییرات جوی، وقوع باد، زلزله، کسوف، خسوف، باران و... را پیش‌بینی کرده و برای هر یک حکمی صادر نموده‌اند و از این راه مجموعه‌ای از قوانین و احکام را به‌وجود آوردند که مانند سایر اجزای فرهنگ عامه سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و امروزه به دست ما رسیده است. این عقاید به هر صورت جزو دانش عوام و فرهنگ عامه است و چون از عقل و حکمت عامیانه و ذوق و دقت توده مردم مایه گرفته‌اند، از لحاظ مردم‌شناسی شایان توجه هستند. مردم در گذشته در بستری از باورهای عامیانه و غیرعلمی زندگی می‌کردند. جهل نسبت به ماهیت و علت اشیا و پدیده‌ها باعث به‌وجود آمدن تفکرات و باورهای نجومی شد.

در آثار بسیاری از شاعران و نویسندگان، نجوم و تمامی زیبایی‌های آن به خوبی جلوه‌گر است. نظامی کی از شاعران دوره اسلامی است که در آثار وی نیز نجوم و اصطلاحات مربوط به آن به چشم می‌خورد. ضرورت بررسی جلوه‌های نجوم در شعر او از آنجا مطرح می‌گردد که اشعار وی الگوی بسیاری از افراد و هنرمندان بوده است و آثار مصوری نیز براساس آن خلق شده است که یکی از این آثار خمسه شاه طهماسب است.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون اثری با این موضوع به رشته تحریر درنیامده است. مقاله‌ای با عنوان: «باورهای نجومی در شعر نظامی» توسط فاطمه الهامی به رشته تحریر درآمده است. او بر آن است که نظامی به دلیل همسو شدن با مخاطبینش از کاربرد اعتقادات و باورهای نجومی رایج روزگارش در شعر خود نهایت بهره را برده است؛ با بررسی جنبه‌های اشعار او می‌توان دریافت او تنها شاعر نبوده و از علم نجوم کاملاً آگاه بوده است (الهامی، ۱۳۸۸: ۵۱-۴۲). با این حال در این پژوهش اثری از تطبیق با خمسه شاه طهماسبی نیست که موضوع پژوهش حاضر است. این پژوهش با بررسی بررسی تطبیقی جلوه گوناگون خورشید در اشعار نظامی به دنبال آن است تا افق دید جدیدی را در شناخت اشعار نظامی به روی مخاطب بگشاید و به این سوال اساسی پاسخ گوید: که خورشید بر اساس نجوم قدیم چگونه و به چه شکل‌هایی و با چه هدفی نظامی جلوه‌گر شده است؟ این ویژگی به چه طریقی در خمسه شاه طهماسب منعکس شده است؟ این پژوهش براساس روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و تحلیل

محتوای تصویر خمسه شاه طهماسب انجام گردیده است. خورشید در اشعار نظامی به شکل‌های مختلفی چون کسوف، شفق و فلق، آفتاب درخشان و ... نمود یافته است.

1. نجوم قدیم

یکی از علوم محوری و کاربردی در قرون گذشته در ایران، علم نجوم بوده است. قرن پنجم و ششم هجری در ایران، علوم نجوم رونق زیادی داشت. ظهور دانشمندانی مانند ابوریحان بیرونی و حکیم عمر خیام گواه این مسئله است (ماهیار، ۱۳۶۹: ۵۷۱). متناسب با این فضا، علم نجوم در میان توده مردم نیز مورد استفاده بود. در قرن هفتم و هشتم هجری دانشمندان علوم ریاضی و نجوم با مرمت رصدخانه‌ها و حمایت دانشمندانی چون خواجه نصیرالدین طوسی مؤسس رصدخانه مراغه (۶۵۷ق. رونق گرفت (مالمی، ۱۳۸۷: ۶۷). یکی از ارکان اصلی علم نجوم در گذشته ستارگان بودند. نزدیک ترین آنها به خورشید چهار سال نوری از آن فاصله دارد؛ باقی ستارگان ثابت، هر یک عضوی از کهکشان‌ها هستند و حتی برخی از آنها عضوی از دیک دستگاه مزدوج است (مصفا، ۱۳۸۱: ۳۷۲). اصطلاح نیز آلتی از علم نجوم قدیم است. این وسیله بیشتر از برج ساخته می‌شود و به وسیله آن ارتفاع آفتاب و ستارگان اندازه‌گیری می‌شود. به نظر می‌رسد این وسیله در گذشته کار ساعت امروزی را انجام می‌داد (مولوی، ۱۳۶۸: ۳۷۹۶/۶).

کسوف نیز از دیگر مفاهیم و پدیده‌های مربوط به نجوم است. کسوف از نظر منجمان واقع شدن زمین بین ماه و خورشید است. سایه زمین به روی ماه می‌افتد. ماه گرفتگی و خسوف در اصطلاح گرفتن ماهه است و در این حالت ماه در مقابل خورشید قرار می‌گیرد. در این موقع زمین بین ماه و خورشید قرار می‌گیرد و سایه زمین بر ماه می‌افتد (مالمی، ۱۳۸۷: ۷۴). در اصطلاح نجوم بعضی از ستارگان سعد است و برخی نحس و طالع مردمان از این دو خارج است (التفهیم، ۱۳۱۶: ۳۵۷). در گذشته تولد هر فرد را به یکی از بروج دوازده‌گانه یا سیارات هفت‌گانه که از مشرق طالع می‌شد مطابقت می‌دادند. و طالع او را از آن برج می‌دانستند (گوهرین، ۱۳۶۲: ۲۱۰). مبحث دیگر در نجوم قدی، افلاک است. ابوریحان بیرونی در این باره می‌گوید: «جسمیت چون گوی گردنده، اندر جای خویش، و اندر میان او چیزهاست که حرکت ایشان به سرشت خویش به خلاف حرکت فلک است و ما اندر میان اویم و او را فلک نام کردند از بهر حرکت او که کرده است هم چون حرکت بادریسه. او می‌افزاید قدما به هشت فلک معتقد بودند: زمین در مرکز و بالای او فلک قمر بود، فلک دوم عطارد، سوم زهره، چهارم آفتاب (شمس)، پنجم مریخ، ششم مشتری، هفتم زحل و زبر این افلاک ستارگان ثابته معلق بود و بالاتر از همه فلک‌الافلاک» (همان، ۵۶). نجوم قدیم با پدیده‌ها و اصطلاحات خاص خود تبدیل به بخشی از زندگی روزمره مردم در جامعه ایران در دوره اسلامی شده بود و افراد و گروه‌ها، اکثر مسائل حال و آینده خود را در نجوم جستجو می‌کردند.

۲. خورشید

از میان عناصر زیست‌شناختی قداست که در باب آفرینش مطرح است، خورشید مهم‌ترین تجلی جهان‌شمول قداست به شمار می‌رود. خورشید یکی از محوری‌ترین نمادهایی است که به جهت تقدس آن در ادیان و ملل مختلف، رمز الوهیت، مرگ آیینی، تولد دوباره، مسافت مکانی و مقیاس زمانی قرار گرفته و بسیاری از رمزپردازی‌های آیینی از این نماد اعظم ناشی می‌شود (زمردی، ۱۳۷۹: ۳۰۶). خورشید به عنوان یکی از اجرام آسمانی از گذشته‌های دور، در علم نجوم و در زندگی روزمره افراد اهمیت و ارزش بالایی داشته است. در ایران باستان میترا خدای نور با خورشید در

ارتباط است. خورشید در مرتبه پایین‌تری از میترا قرار دارد. در برخی متون از میترا به عنوان خورشید شکست‌ناپذیر یاد شده است (ترکی، ۱۳۸۰: ۱۴۰). تأثیرات به جا مانده از مهرپرستی کهن و اساطیر ایرانی که در این متون به چشم می‌خورد، غیر قابل انکار است. حرکت خورشید و ماه واسطه در دست داشتن حساب روز، ماه، سال، تابستان، زمستان، بهار و پاییز محسوب شده است. همچنین در اوپانیشاد، آفتاب صورت زمان، فرض شده و خاطر نشان شده است که زمان از آفتاب صورت پذیرفته است (زمردی، ۱۳۷۹: ۳۱۳). با این تفاسیر باید گفت خورشید و جلوه‌های آن چون نور و گرما به واسطه نقش مهمی که در حیات بشر داشته اند از گذشته‌های دور دارای اهمیت بود. بررسی جایگاهی که خورشید در ادیان اولیه و در فرهنگ ملل مختلف دارد می‌تواند تأییدی بر این ادعا باشد.

یکی از مهم‌ترین ساحت‌هایی که در آن می‌توان بازتاب خورشید و تأثیرات آن را دید حوزه شعر و ادب است. این حوزه به دلیل پیوستگی که با زندگی توده جامعه دارد همواره تحت تأثیر باورهای رایج در جامعه بوده است. بررسی خورشید و جلوه‌های آن در ادب و زبان فارسی نشان می‌دهد چند کلمه «شمس»، «آفتاب»، «مهر»، «خور»، «هور»، «شید»، متداول بوده است. کلمه مهر مربوط به آیین مهر است. امروزه در زبان فارسی لفظ «خورشید» و «آفتاب» در دو معنی جداگانه به کار برده می‌شود. خورشید به معنای «جرم شمس»، و آفتاب را به معنی شعاع شمس یا نور خورشید استعمال می‌گردد (متینی، ۱۳۵۲: ۱۹۷-۱۹۸). در آثار منثور فارسی در قرون نخستین اسلامی استعمال لفظ «خورشید» کمتر بوده است و بیشتر از لفظ «آفتاب» به هر معنی به کار برده شده است (همان: ۲۱۴).

۳. اشعار نظامی

الیاس ابن یوسف ابن احمد معروف به نظامی گنجوی، شاعر قرن ششم هجری است. او در زمان خود بسیار مورد احترام بود و پادشاهان زمانه جوایز عالی او بودند و اصرار به ملاقات وی داشتند. اتابک قزل‌ارسلان با او رفتاری دوستانه داشت (ارمغان، ۱۳۰۱: ۶۷-۷۷). به احتمال فراوان، نظامی در گنجه متولد شده است. تنها معدودی از تذکره‌نویسان از جمله هدایت در مجمع‌الفصحا، وی را از اهالی قم می‌دانند (هدایت، ۱۳۴۰: ۱۴۱۲). او در گنجه سکونت داشت. حیات نظامی گنجوی مصادف با حضور سلسله سلجوقیان در ایران بود. اتابکان آذربایجان، شروانشاهان، آق‌سنقریان یا احمدیلیان، شدادیان از حکومت‌هایی بودند که همزمان با نظامی گنجوی بر منطقه آذربایجان و قفقاز حکومت می‌کردند و این حکومت‌های محلی، به شعر و ادب توجه ویژه‌ای داشتند. نظامی گنجوی با بهره‌گیری از توان خود به فکر بازگویی فرهنگ و هویت ایرانی برآمد (مؤدب و فضلی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۲۹۵-۲۹۶). این توانمندی در آثار فاخر ادبی او منعکس شده است.

نظامی در ادبیات غنایی از ارکان استوار شعر فارسی است؛ چرا که خلاقیت او با اشعار غنایی آغاز شد. مهارت او در توصیفات دقیق، باریک و موشکافانه، کلام او را به اوج قله‌های شعر فارسی رساند. وی در داستان‌سرایی از مطالب اخلاقی، حکمی و پند غفلت‌نکرده و پاکی اخلاق و عفت در اشعارش آشکار است. شاهکار نظامی، خمسه یا پنج‌گنج، مجموعه‌ای از اشعار معنوی و اخلاقی است. عنوان‌های خمسه به ترتیب: مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر (بهرام‌نامه) و اسکندرنامه است. البته از نظامی اشعاری نیز در قالب غزل، قطعه، قصیده و چند قطعه رباعی نیز به جا مانده است. از اشعار حکیم نظامی می‌توان دریافت که وی به موسیقی، نقاشی و دیگر هنرها در اختیار خواننده آثار خویش می‌گذارد (خرمی و خانی، ۱۳۹۶: ۶۳). اهمیت خمسه نظامی برای اهل هنر از آن جهت است که

نظامی از زبان شعری بهره گرفته است که سرشار از تصاویر تجسمی است (گراپر، ۱۳۹۰: ۱۳۹). بنابراین باید گفت منظومه فکری نظامی سبب شده تا آثار او به مجموعه‌ای به نظیر از نظر ادبی و تعلیمی و هنری تبدیل شوند.

نظامی شاعریست صاحب سبک و مبتکر، درباره سبک وی باید به ابتکار در معنا و آرایش در لفظ اشاره کرد. شعر او هم از نظر صورت و هم از نظر معنا در اوج هنر شعریست. او همواره در پی انتخاب بهترین سخن بوده است. نیروی خیال قوی و آگاهی او از دانش‌ها و باورهای رایج، شعرش را غنی ساخته است. از ویژگی‌های برجسته زبانی نظامی، کاربرد خاص واژه‌گزینی و ابداع ترکیب‌های تازه، وصف، تکرار، تبدیل، حذف، استفاده از آیات قرآنی و احادیث اسلامی و ترکیب‌های عربی، طب و نجوم و امثال و حکم، تعبیرات و ضرب‌المثل‌های رایج در بین مردم کوچه و بازار را می‌توان نام برد. واژه‌ها در شعر او هدفدار و براساس توانایی آن‌ها در آراستگی ساختار زبان انتخاب شده است. از بین انواع موسیقی بیرونی - کناری - درونی - معنوی، آنچه قابل توجه در موسیقایی کردن سخن شاعر دارد، موسیقی درونی است که از طریق صامت‌های واحد و یا مشابه و نیز مصوت‌های بلند و کوتاه ایجاد شده است. آنچه سبب گسترش و انتشار کلام نظامی در بین مردم شده، سادگی و روانی آن است و این سادگی و روانی در بین تمام منظومه‌های او به چشم می‌خورد (دهمرد، ۱۳۹۲: ۸۲).

نظامی در آثار غنایی خود از هدف شناخت‌گرایانه غافل نشده است و در جای جای آثار خود مخاطب را با مضامین تعلیمی و آموزه‌های اخلاقی سیراب کرده است. شعر او محدود به مکان و زمان خاصی نیست و در انحصار گروه و قومیت ویژه نیست و کارکردی جهان شمول دارد و می‌تواند برای انسان پیام‌های مشترکی داشته باشد. او شاعری را رسالتی خدایی می‌داند و بر این باور است که شعری که نه بر پایه فضایل اخلاقی و هدایت بشریت، بلکه برای برآوردن آمال و آرزوهای دنیوی و کسب منفعت باشد نه تنها ارزش هنری را، حتی عزت و مایه شاعری را نیز از بین خواهد برد (قبادی، صادقی و نیکوبخت، ۱۳۹۱: ۵۸-۵۹). با این تفاسیر آثار ادبی نظامی ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به الگوهای فاخر تعلیمی دارند.

۴. خمسه شاه طهماسبی

خمسه نظامی یکی از مهمترین آثار ادبی او است. ارزش این اثر سبب شده است تا در دوره‌های مختلف تاریخی مورد توجه هنرمندان قرار گیرد. بعد از شاهنامه‌نگاری، خمسه‌نگاری مورد توجه هنرمندان دوره صفویه قرار گرفت. با توجه به اینکه صفویان در زمینه هنر پروری گامی بلند برداشتند، احداث کتابخانه و کارگاه‌های سلطنتی باعث گردید هنرمندان به نام از سراسر کشور گرد آمدند. وجود کاتبان، شاعران، نگارگران، طراحان، نساجان، مذهبیان و جدول‌کشان و دیگر هنرمندان زمینه‌ساز خلق آثار ارزنده‌ای گردید (شریف‌زاده، تقدس‌زاده، ۱۳۹۸: ۴۲). خمسه شاه طهماسبی یکی از آثار ارزنده این دوره بود. در خصوص این اثر باید گفت، نگارگری و شاعری از دیرباز با فرهنگ و هنر ایران زمین بوده است. شاعران ایرانی دست کم از سده دوازدهم میلادی با الهام از صورخیال می‌سرده‌اند و نگارگران ایرانی از اواخر سده سیزده تا اوایل دوران معاصر آثاری خلق کردند که جوهر، حال و هوا و معنای شاعرانه را در بیننده بر می‌انگیخت. سفارش نسخه‌های نفیس و زیبا از اشعار کلاسیک از سوی دربار، حکام و شاهزادگان سلسله‌های حاکم بر ایران، طی سده‌ها موجب پیوند بین هنرهای ادبی و بصری شد (سیمپسون، ۱۳۸۰: ۱۳). نظامی گنجوی از شعرای بزرگ قرن ششم هجری، در اشعار خود فضا سازی را به بهترین شکل انجام داده است و همین نکته آثار او را برای نگارگری مناسب ساخته است.

کتاب *خمسه نظامی* در دوره‌های مختلف نگارگری ایران به سفارش و دستور شاهان و تحت حمایت آن‌ها مصورسازی شده است. اما از میان همه آن‌ها نسخه‌های متعلق به دوره صفویه که برای شاه طهماسب مصور شده است از ارزشمندترین نمونه‌هاست و به لحاظ جلوه کامل هنر کتاب‌آرایی در خور توجه است (شایسته‌فر، ۱۳۸۶: ۸). *خمسه شاه طهماسبی* به دستور شاه طهماسب صفوی و در فاصله سال‌های ۹۴۶ تا ۹۵۰ ق. مصور شد. این کتاب به خط «محمود نیشاپوری» و دارای هفده نگاره است و اکنون در موزه بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود (همان: ۹). در نگاره‌های آن نوع منظره‌پردازی و رنگ‌بندی و پیکرسازی خاص سبک تبریز است و ترکیب‌بندی‌های متعادل و متوازن آن‌ها با سبک هرات همخوانی دارد. بیشتر ترکیب‌بندی‌ها در فضای آزاد مثل باغ قرار گرفته است و صحنه‌های درباری نشان‌دهنده دربار شاه طهماسب است (آژند، ۱۳۸۴: ۱۰۷).

یکی از خلق‌کننده‌های نگاره‌های *خمسه شاه طهماسبی*، جلال‌الدین میرالحسینی اصفهانی مشهور به میرک آقا است که در تبریز در دربار شاه طهماسب اول مقام بالایی داشت. او با همکاری استادانی چون سلطان محمد و سایر نقاشان نامی آن دوره در کتابخانه شاه طهماسبی در خلق کتاب *خمسه شاه طهماسبی* نقش داشت (کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۷۶: ۱۳۲). به غیر از سلطان محمد، آقا میرک، میرزا علی تبریزی و میر سیدعلی، مظفر علی نیز در نگاره‌های *خمسه نظامی شاه طهماسب* پیدا شده است (شایسته‌فر، ۱۳۸۶: ۱۱). این نسخه دارای ۱۷ نگاره است که ۱۴ نگاره هم‌زمان با کتابت اثر انجام شده است و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (فغفوری و بلخاری‌قهی، ۱۳۹۲: ۱۲۷). تلاش این نگارگران و حمایت شاهان صفوی سبب گردید تا *خمسه شاه طهماسبی* خلق گردد و امروزه از آن با عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار ادبی و هنری یاد شود.

چهار نگاره *خمسه نظامی* با نام «معراج پیامبر»، «پیرزن و سلطان سنجر»، «اندام شستن شیرین در چشمه‌سار»، و «بهرام گور در شکار شیران» منسوب به سلطان محمد هستند (رهنورد، ۱۳۹۳: ۱۲۳). نگاره‌هایی که آقامیرک منسوب است عبارتند از: «مجنون در بیابان»، «نوشروان و گفتگوی مرغان در ویرانه» و چند صحنه درباری همچون «دو حکیم متنازع»، «تاجگذاری انوشروان» و «سرگرم شدن خسرو و شیرین با داستان‌های عاشقانه» (رهنورد، ۱۳۹۳: ۱۲۴؛ حسن، ۱۳۸۸: ۱۰۸). مجموع نگاره‌ها به صورت مجزا کار شده است و سپس به کتاب افزوده شده است (آژند، ۱۳۹۲: ۵۱۷).

۵. انعکاس ویژگی‌های فرعی و بصری خورشید برگرفته از نجوم در اشعار و نگاره‌های *خمسه نظامی شاه طهماسبی*

نجوم جمع واژه نجم به معنی ستارگان است. نجوم در لغت به معنی ظاهر شدن و طلوع کردن ستاره و بر آمدن گیاه است. این اصطلاح در علم هیأت قدیم، یکی از بخش‌های علم ریاضی محسوب می‌شد و شاخه‌ای از علم حساب نزد مسلمانان بوده است و در آن از درجات دقیقه‌ها، ثانیه‌ها، ثالثه‌ها با ضرب، بخش، جذر، تفریق، مراتب صعودی و نزولی بحث می‌شده است و موضوع آن شناخت اوضاع اجرام آسمانی نسبت به یکدیگر و نسبت به موجودات زمینی و مقدار، اندازه و حرکت آن‌ها بوده است. در واقع نجوم علمی است که در آن از ظواهر اجسام آسمانی و قوانین حرکات ظاهری و حقیقی، اندازه‌ها، فواصل و خواص طبیعی آن‌ها بحث می‌شود. یکی از پدیده‌های آسمانی که همواره ذهن انسان‌ها را به خود مشغول داشته است خورشید و گرما و نور زیبای آن بوده است. با بررسی آثار ادبی و تاریخی جهان شاهد آن خواهیم بود که یک سلسله شباهت همگانی در اساطیر جهان وجود دارد. یعنی همه‌ی اقوام کهن و باستانی جهان

مانند ایران، چین، هند، یونان، مصر، بین‌النهرین، یک سری رویاها و احساسات مشترک داشته‌اند. مثلاً همه آن‌ها برای خورشید و ماه اسطوره‌هایی مشابه هستند. انعکاس این اصطلاح در خمسه نظامی دیده می‌شود. در مخزن‌الاسرار از ماه در تشبیه به وفور استفاده شده است.

گفت شهری است در ولایت چین خوش و آراسته چو خلدبرین
مردمانی همه به صورت ماه همچون ماه در پرند سیاه
نام آن شهر، شهر مدهوشان تعزیت خانه‌ی سیه‌پوشان
شهری آراسته چو باغ ارم هر یک از شک برکشیده علم



تصویر ۱: نگاره بازشناسی نوشابه، اسکندر را از تصویرش، میرزاعلی، خمسه شاه طهماسبی. (منبع: رجبی، ۵۸).

در نگاره شماره ۲، نگارگر کوشیده است آسمان را به رنگ طلایی ترسیم کند که نمود نور خورشید در آسمان این نگاره است و این نور از جلوه‌هایی بارز خورشید در نگراگری این دوره است.

صبح (فجر) صادق و صبح کاذب، دو اصطلاح نجومی و تا حدودی فقهی است که مراد از آن دو، اوقات خاصی از شبانه روز است. صبح کاذب، با پدید آمدن سفیدی در سمت مشرق حاصل می‌شود و در این زمان نمی‌توان نماز صبح را به جا آورد. زمان فجر صادق، وقتی است که آن سفیدی در ناحیه مشرق پراکنده شود و این زمان، اول وقت فضیلت نماز صبح است. بین دو صبح صادق و کاذب چند فرق وجود دارد: فجر کاذب از افق جداست، در حالی که فجر صادق به

افق متصل است. فجر کاذب عمودی است اما فجر صادق افقی است. فجر کاذب هنگام اولین لحظه طلوع درخشان است؛ ولی به مرور از بین می‌رود، در حالی که فجر صادق با نور کم طلوع می‌کند و با گذشت زمان پر نور می‌شود.

صبح صادق، صبح کاذب، شفق و فلق در اشعار نظامی جلوه گسترده‌ای دارد.

چون مشعله پیش بین موافق

چون صبح پسین منیر و صادق (نظامی، ۱۳۱۳: ۳۷).

چون هاتف صبح دم بر آورد

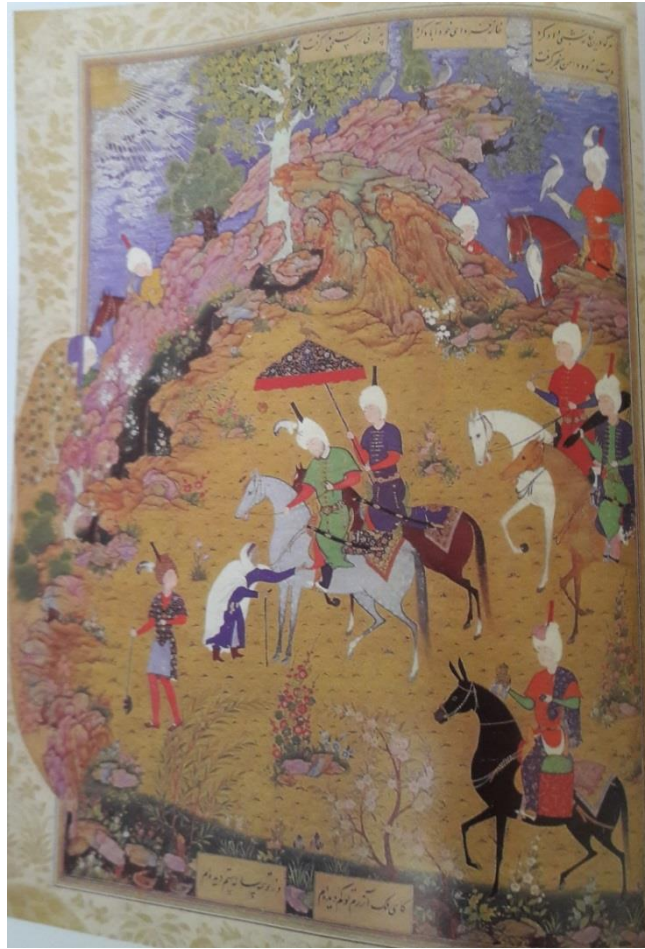
از کوه شفق علم بر آورد (نظامی، ۱۳۱۳: ۱۶۶).

اخترشناسان قدیم برخی برج‌ها را برای بعضی سیارات جایگاه عزت و شرفمیدانستند. خانه‌ها را بر اساس داده‌های نجومی و درجه‌بندی دقیق در نظر می‌گرفتند. نظامی به شرف خورشید در برج حمل اشاره داشته‌اند. از دیرباز درخشش و زیبایی وصف ناشدنی خورشید و ماه در آسمان همواره مورد توجه مردم به‌ویژه منجمان بوده است. شاعران از کنار هم قرار دادن این دو، معانی و تصاویر شعری زیبایی ساخته‌اند. این موضوع در شعر نظامی نیز جلوه زیبایی یافته است.

نظامی در منظومه خسرو شیرین می‌سراید:

غم و شادی نگار و بیم و امید

شب و روز آفرین و ماه و خورشید (نظامی، ۱۳۷۴: ۱۲۵).



تصویر ۲: نگاره پیرزن و سنجر. خمسه نظامی. دوره صفویه، مکتب تبریز. قرن دهم هجری. (منبع: کنبای، ۱۳۸۱: ۸۰)

در این نگاره ستجر با درباریان‌ش به تصویر کشیده شده‌اند و ابرها در حال کنار رفتن از روی خورشید در آسمانند که از واقعه‌ای در حال وقوع است.

منجمان و مردم قدیم بر این باور بودند که از تأثیر اشعه آفتاب در زمین، بخار و دودهایی به وجود می‌آید که در شرایط خاصی این بخار و دودها استحاله می‌یابند و به فلزات و جواهرات گوناگون تبدیل می‌شوند. به همین سبب منجمان احکامی در منسوبات ستارگان تشکیل زره، یاقوت، بیجاده و سنگ‌های گران قیمت را به خورشید نسبت می‌دادند. این موضوع در اشعار نظامی جلوه‌ای زیبا یافته است.

در نگاره «خسرو و شیرین در حال آب تنی: نیز به ماه اشاره شده است:

چو ماه آمد برون از ابر مشکین... به شاهنشه درآمد چشم شیرین

همایی دید بر پشت تزروی... به بالای خدنگی رسته سروی

ز شرم چشم او در چشمه آب... همی لرزید چون در چشمه مهتاب

جز آن چاره ندید آن چشمه‌ی تند... که گیسو را چو شب بر مه پراکند (نظامی گنجوی، ۱۳۸۸: ۴۵).

کسوف، قرار گرفتن ماه میان زمین و خورشید است. شاعران از کسوف تصویر آفرینی‌های متعددی کرده‌اند. این موضوع در شعر نظامی جلوه یافته است.

خورشید که نیلگون حروفست

هم چشم رسیده کسوفست (نظامی، ۱۳۱۳: ۴۷۴).

بر مه و خورشید میاور وقوف

مه خور و خورشید شکن چون کسوف (نظامی، ۱۳۱۳: ۶۶).

از جهودی رهاند شاهی را

دور کرد از کسوف ماهی را (نظامی، ۱۳۱۳: ۷۴۵).

با توجه به تقسیم‌بندی گذشتگان، سیارات نمودار سعد و نحس بودن طالع افراد و وقایع در مجموع چهار سیاره را شامل می‌شد: سعد اکبر و سعد اصغر، نحس اکبر و نحس اصغر. سعد اکبر مشتری است که نام دیگرش برجیس و از بزرگ‌ترین سیارات منظومه شمسی است. این بزرگی، درخشندگی و مرعی بودن از زمین (که مطابق نجوم قدیم مرکز منظومه شمسی در نظر گرفته می‌شد) از علل گزینش آن به‌عنوان سعد اکبر بوده است. بیشتر ثمر اشعار فارسی از مشتری به‌عنوان «قاضی فلک» نام برده می‌شود. در نجوم احکامی مشتری «کوکب قضا و علما و اشراف و اصحاب مناصب و ارباب نوامیس و ترسایان است» (مصفی، ۱۳۶۶: ۶۳۷). بر پایه همین باورهاست که مشتری در شعر فارسی با القابی چون قاضی دیوان کواکب، قاضی فلک و قاضی القضا نامیده شده است. نظامی از کنار هم قرار دادن مشتری و خورشید تصاویر زیبای شعری خلق کرده‌اند.

خورشید به صورت هلالی

زحمت ز ره تو کرده خالی

...

دراجه مشتری بدان نور

از راه تو گفته چشم بد دور (نظامی، ۱۳۷۴: ۱۷۳).

در جستن گنج رنج می‌برد*** بی‌آنکه رهی به گنج می‌برد

شخصی ز قبيله بنی سعد*** بگذشت بر او چو طالع سعد (نظامی، ۱۳۸۸: ۲۶۰).



تصویر ۳: نگاره ساز نواختن بارید در حضو خسرو، میرزاعلی، خمسه طهماسبی (۹۴۶-۹۵۰ق). (منبع: رجیبی، ۱۳۸۴: ۵۸).

در این نگاره نیز تابش نور طلایی خورشید از لابه‌لای شاخه‌های درختان شاهدی بر اهمیت خورشید و وابسته‌های آن چون نور و آفتاب در نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی است.

بر مبنای همین باورها شاعران فارسی‌گوی در اشعار خود از مریخ با نام‌های سلحشور، خنجرکش، جنگ‌جو، خون‌آلود و ... یاد کرده‌اند. نظامی نیز در اشعار خود به این مسئله اشاره دارد.

خورشید به صورت هلالی

زحمت ز ره تو کرده خالی

مریخ ملازم بتاقت

موکب رو کم‌ترین و شاققت (نظامی، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

با توجه به باورهای نجومی گذشته و آنچه از اشعار شاعران به دست می‌آید؛ طالع شخص یا واقعه‌ای که با سیاره کیوان یا زحل همراه بوده است، نحس است، این سیاره که در هفتمین و آخرین مدار از مدارات هفتگانه آسمانی سیر می‌کرد به همین لحاظ دورترین سیاره نسبت به زمین (طبق نجوم قدیم) محسوب می‌شد و این خود از نام زحل که معنی دور می‌دهد آشکار است. احتمال دارد قدما زحل را به سبب فاصله دو از زمین، رنگ و شمایل نحس شمرده‌اند. در گذشته «زحل را کوکب پیران و دهقانان، ارباب قلاع، خاندان‌های قدیم، غلامان سیاه، صحرانشینان، مردم سفله، خسیس، زاهدان بی‌علم، موصوف به صفات مکر، کینه، جهل، بخل، وقار، ستیزه، کاهلی می‌شمردند» (مصفی، ۱۳۶۶: ۳۲۷). نظامی در اشعارش به خورشید و کیوان اشاره نموده‌اند.

ز پرگار حمل خورشید منظور

بدو اندر فکنده بر زحل نور (نظامی، ۱۳۱۳: ۲۱۲).

در نجوم قدیم، زهره را «سعدصغر» می‌گفتند. این نام دلالت بر تأیید و خنثی بودن و حسن وجه و شادی داشت. سیاره زهره به واسطه زیبایی رنگ سرخی که داشته در دید زمینیان زیباتر می‌نموده است. زهره را در عین حال، شادی و طرب، رقص و پایکوبی می‌شناخته‌اند. اشاره به زهره و خورشید در کنار هم در اشعار نظامی دست‌مایه خلق تصاویر زیبای شعری گردیده است.

زهره که ستام زین او بود

خوش خو چو خوی جبین او بود

خورشید چو تیغ او جهان‌سوز

پوشیده به شب برهنه در روز (نظامی، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

کوچک‌ترین سیاره منظومه شمسی و نزدیک‌ترین سیاره به خورشید عطارد است. بنا بر باور منجمان قدیم عطارد یکی از سیارات هفت‌گانه است که بر فلک دوم می‌تابد. در گذشته بر این باور بوده‌اند که عطارد با سعد است و با نحس و کوکبی نر و ماده است. عطارد در ادبیات فارسی مظهر فراست، فضل، دانش، نویسندگی و دبیری بوده است. عطارد با صفات و ویژگی‌های گوناگونش در اشعار نظامی بسیار جلوه‌گر شده است و دست‌مایه ساخت تصاویر زیبای شعری گردیده است.

سزاوار عطارد شد دو پیکر

تو خورشیدی تو را یک برج بهتر (نظامی، ۱۳۸۸: ۲۹۹-۲۸۱).

در این نگاره تابش خورشید در آسمان آبی نمودی از وضعیت روز در این نگاره در خمسه شاه طهماسبی است. با این مطالعه و بررسی از اشعار نظامی می‌توان گفت واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به نجوم، بخشی از منظومه فکری اوست که در اشعارش نیز نمایان گردیده است و با به عبارت دیگر تلاشی برای همراهی با باورهای عمومی موجود در جامعه آن روز است.

نتیجه‌گیری

نظامی در قرن ششم می‌زیست، در آن زمان ابتکار و نوآوری و خلق اشعار زیبا با تصاویر بکر آن‌گونه در میان شاعران اهمیت یافته بود که هر یک از شاعران سعی می‌کردند با جلوه استعدادی ویژه و نوآوری در سرایش شعر بر دیگران پیشی گیرند؛ به همین دلیل اندک اندک وارد کردن اطلاعات علمی در شعر زمینه‌ای برای برتری جویی شاعران بر یکدیگر شد. علم نجوم نیز از علومی بود که شاعران سعی می‌کردند با استفاده از اطلاعات علمی خود در این زمینه از آن در سرایش اشعار خود بهره‌جویند. یکی از زیباترین تصاویری نجومی در اشعار نظامی تصویر خورشید با جلوه‌های گوناگونش است. در بررسی تطبیقی جلوه‌های گوناگون خورشید بر اساس نجوم قدیم در اشعار نظامی نتایج زیر به دست آمد. خورشید بر اساس نجوم قدیم در اشعار نظامی به‌گونه‌های مختلفی چون درخشش خورشید و تصویر آفرینی‌های گوناگون از آن همچون شفق، فلق، صبح صادق و صبح کاذب، خورشید در بروج دوازده گانه، کسوف، نیرین یا خورشید و ماه و ... نمود یافته است. در میان تصاویر متعددی شعری با خورشید اشاره به درخشش آن بیش از دیگر تصاویر در شعر هر سه شاعر جلوه‌گر شده است. در ساخت تصاویر با خورشید و بروج دوازده گانه تنها به پنج برج حوت، دلو، حمل، اسد و جوزا اشاره شده است. نظامی با ذکر خورشید در کنار بروج سعد و نحس نیز تصاویر زیبایی را خلق نموده‌اند اشاره به خورشید و تأثیر آن در تشکیل کانی‌ها در اشعار و نظامی بیان گردیده است. با توجه به آنکه خمسه شاه طهماسبی در دوره صفویه از روی خمسه نظامی و مفاهیم و اشعار خیال‌انگیز آن خلق شده است به نگاره‌هایی زمین گشته است که بررسی آن‌ها حاکی از توجه ویژه شاعر به نجوم در مضامین شعرش است. بررسی انطباقی از نجوم در اشعار نظامی و انطباق آن‌ها با نگاره‌های خمسه طهماسبی نشان می‌دهد در این نگاره‌ها بیشتر از اصطلاحات، ماه، زمین، خورشید، طالع سهد، بهرام مورد استفاده قرار گرفته است.

منابع و مآخذ:

کتاب‌ها:

- آژند، یعقوب. (۱۳۸۴). مکتب نگارگری تبریز- قزوین و مشهد. تهران: فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب. (۱۳۹۲). نگارگری ایران. جلد دوم، تهران: سمت.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۱۶). التفهیم. تصحیح جلال همایی، تهران: مجلس.
- حسن، زکی محمد. (۱۳۸۸). هنر ایران در روزگار اسلامی. تهران: صدای معاصر.
- رهنورد، زهرا. (۱۳۹۲). تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی. کتاب آرای، تهران: سمت.
- سیمپسون، ماریانا شرو. (۱۳۸۰). شعر و نقاشی ایرانی: هفت اورنگ سلطان ابراهیم میرزا. مترجم عبدالعلی براتی، فرزاد کانی، تهران: نسیم دانش.
- کری والش، استوارت. (۱۳۸۴). نسخه نگاره‌های عهد صفوی. ترجمه احمدرضا تقاء، تهران: فرهنگستان هنر.
- کریم زاده تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۶). احوال و آثار نقاشان قدیم ایران. تهران: مستوفی.
- گراپر، اولگ. (۱۳۹۰). مروری بر نگارگری ایرانی، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: فرهنگستان هنر.
- گوهرین، صادق. (۱۳۶۲). فرهنگ لغات مثنوی، تهران: زوار.
- مصفا، ابوالفضل. (1366). فرهنگ اصطلاحات نجومی ایران. تبریز: انتشارات مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۶۸). مثنوی معنوی. رینولد، تهران: مولی.
- نظامی، الیاس. (۱۳۸۸). اقبال نامه. به اهتمام وحید دستگردی، تهران: مطبوعاتی علمی.
- نظامی، الیاس. (۱۳۴۳). خسرو و شیرین، به اهتمام وحید دستگردی. تهران: شرکت سهامی انتشارات کتب ایران و مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- نظامی، الیاس. (۱۳۴۳). شرف‌نامه حکیم نظامی گنجه‌ای. به کوشش حسن وحید دستگردی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- نظامی، الیاس. (۱۳۱۳). لیلی و مجنون. تصحیح وحید دستگردی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- نظامی، الیاس. (۱۳۴۳). مخزن‌الأسرار. تصحیح وحید دستگردی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- نظامی، الیاس. (۱۳۷۴). کلیات حکیم نظامی گنجوی، مطابق نسخه وحید دستگردی، به اهتمام پرویز بابایی، تهران: انتشارات راد.
- نظامی، الیاس. (۱۳۷۷). گزیده قصه‌های نظامی. تهران: انتشارات پیام محراب.
- هدایت، رضاقلی‌خان. (۱۳۴۰). مجمع‌الفصحا. کوشش مظاهر مصفا، جلد سوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر.

مقالات:

- الهامی، فاطمه. (۱۳۸۸). "باورهای نجومی در شعر نظامی، همایش منطقه‌ای حکیم نظامی گنجوی". تهران: دانشگاه آزاد اسلامی اسلام شهر، شماره ۳۴، صص ۴۲-۵۱.
- خرمی، مریم؛ خانی، مینو. (۱۳۹۶). "تحلیل بازتاب نقاشی در جامعه قرن ششم هجری با نگرش به آثار نظامی گنجوی". مجله علمی- پژوهشی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی، شماره ۵۱، صص ۶۱-۷۰.
- شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۶). "جایگاه مضمونی و زیبا شناسی شعر در نگاره‌های خمسه شاه طهماسبی". فصلنامه هنر مطالعات اسلامی، شماره ۷، صص ۲۲-۷.
- شریف‌زاده، محمدرضا؛ تقدس نژاد، زهرا. (۱۳۹۸). "بررسی تطبیق داستان نگاره مجنون در میان ددان خمسه طهما سبی با نگاره پارچه مضبوط در موزه بوستون به شماره ثبت ۲، ۱۹۲۸، براساس نظریه بینا متنیت". فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳۴، صص ۲۹-۴۶.
- صدقه، جان. (۱۳۸۰). "خورشید در اساطیر کهن". شعر، مترجم محمدرضا ترکی، شماره ۲۹، صص ۱۴۳-۱۴۰.
- دهم‌ده، حیدرعلی. (۱۳۹۲). «زبان‌های از زبان نظامی»، فنون ادبی دانشگاه اصفهان، شماره ۱، صص ۹۶-۸۱.
- قبادی، حسینعلی؛ صادقی، مریم و نیکوبخت، ناصر. (۱۳۹۱). پیام‌های انسانی نظامی برای دغدغه‌های معاصر، فصلنامه علمی- پژوهشی کاوشنامه، شماره ۲۵، صص ۶۵-۵۰.
- فغفوری، رباب؛ بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۲). "نمود معماری صفوی در نگارگری مکتب دوم تبریز"، اولین همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی.
- قاضی‌زاده، خشایار؛ خزائی، محمد. (۱۳۸۴). "مقامات رنگ در هفت پیکر نظامی". دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳، صص ۲۴-۷.
- ماهیار، عباس. (۱۳۶۹). "نگاهی به سوی اختران و افلاک". مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۳۴، صص ۵۷۹-۵۳۱.
- مالملی، امیدوار. (۱۳۸۷). "مثنوی و نجوم". پژوهشنامه فرهنگ و ادب، شماره ۷، صص ۹۵-۶۶.
- متینی، جلال. (۱۳۵۲). "آفتاب و خورشید". دانشکده ادبیات علوم انسانی دانشگاه فردوسی، شماره ۲، صص ۱۹۷-۲۲.